

# سیر کیفیت آموزشی در تاریخ تعلیم و تربیت

به نام خداوند رحمان و رحیم

توسعه نهاد آموزش بعد از دارالفنون که ابتدا با رویکرد محافظه کارانه دولت‌های قاجار روبه‌رو بود و در واقع ابتدا پاسخی به نیازهای تخصصی نیروی انسانی و بیشتر در حوزه تقویت بنیه نظامی کشور بود اما کم‌کم یک جریان فرهنگی و توسعه آموزش ایجاد کرد. این جریان در دوره پهلوی اول و دوم با توسعه مدارس ابتدایی و متوسطه (آموزش عمومی) مورد تأکید و توجه مردم و حاکمیت قرار گرفت و تأسیس مدارس ابتدایی، عمومی و تأسیس دارالمعلمین و دارالمعلمات نمونه‌ای از این روند است. گرچه کم‌کم با تأسیس مراکز آموزش عالی و به‌ویژه تأسیس گسترده دانشگاه تهران در سال ۱۳۱۳، توجه به تربیت نیروی متخصص متناسب با برنامه‌های آموزشی غرب بیشتر مورد توجه واقع شد.

بررسی تاریخچه و سیر فلسفه آموزشی این دوران (قاجار، پهلوی اول و دوم) و سیر و تاریخچه جریان‌های فکری و فرهنگی آن دوران یکی از مباحث مهم و ضروری در تاریخ تعلیم و تربیت است که در شماره‌های قبل تا حدودی به آن‌ها پرداخته شده و در شماره‌های آتی به آن تأکید بیشتری خواهیم کرد.

پژوهش‌های آموزشی نشان می‌دهد که نظام آموزشی کشور، به توسعه کمی آموزش توجه بیشتری داشته است و از نظر کیفی در طول تاریخ تعلیم و تربیت، دارای افت شده است اگر شاخص‌های کیفیت آموزشی را به‌طور کلی: ۱. پاسخ به نیازهای توسعه‌ای جامعه؛ ۲. توانمندی‌های عملکردی فارغ‌التحصیلان نسبت به برنامه‌های درسی و آموزشی در نظر بگیریم، ملاحظه می‌شود این شاخص‌ها به‌صورت عمده‌ای پایین است که سیر و بررسی تاریخی علل آن از جهت‌های گوناگون می‌تواند مورد توجه و قابل طرح در این فصل‌نامه باشد به نظر می‌رسد یکی از علل اصلی این افت تحصیلی، نبود فلسفه بومی در حوزه تعلیم و تربیت کشور در آن دوران باشد و توسعه کمی نظام آموزشی در بخش‌هایی تقلید محض از نظام آموزشی غربی باشد که در این مقوله بی‌توجهی به موضوع تربیت، بسترهای فرهنگی و پاسخ به نیازهای جامعه بومی متناسب با توسعه فناوری نبوده و حافظه‌پروری و عدم توجه به تفکر، بازار کار پژوهش‌محوری از ویژگی‌های مهم نظام آموزشی کشور است.

\*\*\*

قصد داریم در این شماره و شماره آینده به این موضوعات بیشتر بپردازیم.

غلامرضا حمیدزاده\*

\*E-mail: gdarulfunun@gmail.com